

Email:
isqt@sku.ac.ir

website:
<https://isqt.sku.ac.ir>

Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology



A lifestyle plan based on the Sahifa of Sajjadiyah

Basij Ahmad Reza

PhD in Islamic Studies (Teaching), specializing in Qur'anic Exegesis and Islamic Sources; faculty member at Farhangian University of Iran, Department of Islamic Studies, Shahrekord, Iran.

Article information

ABSTRACT

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:

Imam Sajjad, lifestyle, Al-Sahifa Al-Sajjadiyya, insight, inclination, action.

Received: 2026/02/22

Accepted: 2026/04/27

***Corresponding author:**

basij_581@yahoo.com

How to cite this paper:

Basij, A.R., (2026). A lifestyle plan based on the Sahifa of Sajjadiyah. *Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology*. 3(1): 69-84.

Lifestyle is the concern of every human being. Although most people have always been and are longing for it. The prophets and imams, by virtue of their mission and responsibility of guidance and communication, have tried to present the principles and rules for achieving a reasonable worldly life and a good life in the hereafter in various ways before people. Meanwhile, Imam Sajjad, considering the conditions of his time, has also been able to outline these principles in the form of prayers and supplications. This article seeks to outline a plan for a divine lifestyle based on the teachings of Sahifa al-Sajjadiyah in a descriptive and analytical manner. Accordingly, while explaining the Islamic lifestyle, teachings from Sahifa al-Sajjadiyah were examined as examples of related topics in order to objectify the lifestyle, and based on the results obtained in the three fields of insight, attitude, and action, principles for a divine lifestyle were outlined. Including: devotion and purification, adornment with moral virtues, avoidance of moral vices, love for God and His creatures.

[DOI:10.22034/isqt.2026.14946.1013](https://doi.org/10.22034/isqt.2026.14946.1013)



طرحی برای سبک زندگی بر اساس صحیفه سجادیه

احمد رضا بسیج

دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش تفسیر قرآن و منابع اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان ایران گروه معارف اسلامی، شهرکرد، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>سبک زندگی دغدغه هر انسانی است. هر چند همیشه بیشتر افراد در حسرت آن بوده و هستند. پیامبران و امامان به حکم رسالت و مسئولیت هدایتگری و ایصالی که دارند کوشش کرده‌اند تا اصول و قواعد رسیدن به حیات معقول دنیوی و حیات طیبه اخروی را به انحاء گوناگون پیش روی آدمیان بگذارند. در این میان امام سجاد (علیه السلام) نیز با توجه به شرایط زمانه اش توانسته است در قالب دعا و نیایش این اصول را ترسیم نماید. این مقاله در صدد ترسیم طرحی برای سبک زندگی الهی بر اساس آموزه‌های صحیفه سجادیه به روش توصیفی، تحلیلی است. بر این اساس ضمن تبیین سبک زندگی اسلامی، آموزه‌هایی از صحیفه سجادیه به عنوان نمونه‌هایی از مباحث مرتبط در راستای عینیت بخشی به سبک زندگی مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس نتایج حاصله در سه حوزه بینشی، گرایشی و کنشی اصولی برای سبک زندگی الهی ترسیم شد. از جمله: تولی و تبری، آراستگی به فضایل اخلاقی، دوری از رذایل اخلاقی، محبت نسبت به خداوند و مخلوقات خداوند.</p>	<p>نوع مقاله: علمی پژوهشی</p> <p>واژگان کلیدی: امام سجاد(ع)، سبک زندگی، صحیفه سجادیه، بینش، گرایش، کنش.</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷</p> <p>* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: basij_581@yahoo.com</p> <p>ارجاع: بسیج، ا.ر.، ۱۴۰۵، طرحی برای سبک زندگی بر اساس صحیفه سجادیه، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۳(۱): ۶۷-۸۴</p>

DOI: 10.22034/isqt.2026.14946.1013

صحیفه کامله سجاده اقیانوسی از معرفت و معدنی از گوهرهای ثمین است که ورود به آن، فضای دیگری را در پیش آدمی قرار می‌دهد و حقایق و معارفی گرانسنگ و علمی گرانمایه را در منظر و مرای حقیقت یاب ارایه می‌نماید. آن‌گونه حقایقی که پیش از آن تنها در قرآن کریم و نهج‌البلاغه شریف می‌توان یافت. دنیایی که ملامال از یاد و نام خداوند سبحان و رسول گرامی او محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سرشار از نسیم و رحیق عرفانی و فلسفی و کلامی است. عطر وحی را می‌توان در آن استشمام کرد و جمیل جنت و بالاتر جمال رحمان را در آن دید.

این کلام که از زبان انسان کامل است، رهنمای زندگی و تصویرگر سبکی از زیستن است که صفا و محبت را از یک سو و دشمن شناسی و دشمن ستیزی را از سوی دیگر و عبودیت و عدالت محوری را از دیگر سو معرفی می‌کند. مقاله حاضر تلاشی است - به شیوه توصیفی تحلیلی - برای یافتن و تبیین طرحی برای سبک زندگی انسانی بر اساس گفتارها و ابواب گوناگون صحیفه گرانسنگ سجاده. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی تحلیلی است. شیوه کار این‌گونه است که ابتدا متن صحیفه سجاده و روایات امام سجاد (ع) بررسی شده، از آیات و دیگر روایات مرتبط با موضوع، به منظور کشف مؤلفه های سبک زندگی از آموزه های آن حضرت، استفاده شده است.

۱. پیشینه تحقیق

مهدی ایزدی در مقاله‌ای با عنوان: سبک زندگی در آموزه های امام سجاد (ع) بر اساس روش های کاربردی انحراف زدا و فضیلت افزا، نتیجه گرفته است: برخی از مؤلفه ها در مکتب تربیتی امام سجاد (ع) مانند: مهرورزی، عینیت بخشی به آموزه ها، ایجاد ارتباط مستمر با خدا، به عنوان روش هایی کاربردی در انحراف زدایی و فضیلت تافزایی مطرح است.

فریده عبودیت و محمدعلی مهدوی راد در مقاله‌ای با عنوان: مبانی و روش های سبک زندگی در حوزه تعاملات اقتصادی با محوریت صحیفه سجاده، نتیجه گرفته‌اند: در حوزه تعاملات اقتصادی، نیایش های امام سجاد (ع) مشتمل بر بینش ها و نیز کنش ها و راهکارهای عملی است. امام (ع)، التزام به بینش و تفکرات و باورهایی را برای عملیاتی کردن دستور اسلام در حوزه اقتصاد لازم می‌داند. از مهم ترین این باورها و بینش ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایمان به عدالت خداوند در حوزه تقسیم رزق، لزوم رضایت به مقدرات الهی، کسب روزی از مهم ترین زمینه های ابتلاء انسان و غیره. از ادعیه صحیفه سجاده، راهکارهای عملی فراوانی نیز به دست می‌آید؛ از جمله: شکرگزاری، حفظ عزت و شرافت، کسب روزی حلال، اقبال به قرآن برای افزایش روزی، میانه روی و اعتدال و پرهیز از قرض و بدهکاری و

پژوهش حاضر نگاهی کلی به سبک زندگی داشته و در صدد یافتن طرحی برای سبک زندگی بر اساس صحیفه سجاده است.

۲. مفاهیم

۲-۱. سبک زندگی

سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام واره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد (شریفی، ۱۳۹۸: ۲۷).

سبک زندگی در واقع نحوه کنش‌های افراد در زندگی و در موقعیت‌های گوناگون و در مواجهه با ساحت‌های گوناگون زندگی اعم از سیاست، اقتصاد، علم، فرهنگی، اخلاق، روابط اجتماعی و تعامل با خود، خدا، جامعه و طبیعت است. از این رو سبک زندگی آگاهانه یا ناآگاهانه مبتنی بر نظام ارزشی فرد و باورها و عقاید و نیز آمال و اهداف او است. به عبارت دیگر سبک زندگی هر فرد مبتنی بر دو چیز است: معرفت صائب یا صارد، تحقیقی یا تقلیدی و نیز اهداف و نیازهای صحیح و سقیم، صادق و کاذب. از این رو دو نوع سبک زندگی الهی و غیر الهی شکل می‌گیرد. سبکی از زندگی که بر اساس اندیشه اصالت آخرت و در جهت کمال و تعالی فرد سامان می‌یابد؛ که رسول اکرم (ص) فرمود: «الدنيا مزرعه الاخره» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ ق: ۱ / ۲۶۷) و سبکی از زندگی که بر اساس اصالت دنیا و آیه «فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا» (بقره: ۲۰۰) تنها نظر بر بهره‌مندی مادی صرف نظر از نتایج اخروی آن دارد.

سبک زندگی در وهله اول شخصیت و هویت فرد را شکل می‌دهد و آنگاه به هویت اجتماعی می‌انجامد و در نهایت نوع روابط فرد را با خود، خدا، خانواده، جامعه و طبیعت مشخص می‌کند.

۲-۲. صحیفه سجادیه

کتابی است شامل ۵۴ دعا از امام سجاد (ع) که پس از قرآن و نهج البلاغه مهم‌ترین میراث مکتوب شیعه محسوب می‌شود این کتاب به «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد» و «اخت القرآن» معروف است (ابن شهر آشوب، ۱۴۳۳ ق: ۱۳۵).

این کتاب هرچند در ظاهر در موضوع دعا و نیایش است، ولی معارف بسیاری از احکام شرعی، و مسائل سیاسی و اجتماعی، تربیتی، اخلاقی، عرفانی و فلسفی در آن وجود دارد. صحیفه سجادیه از نظر فصاحت و بلاغت مورد توجه اهل ادب و معرفت است و از نظر معنایی نیز پیوسته مرجع اهل اندیشه و خرد اعم از فیلسوف، عارف و علمای اخلاق می‌باشد.

۲-۲-۱. همراهی حق با صحیفه سجادیه

از آن رو که در انتساب صحیفه سجادیه به حضرت امام سجاد (ع) شکی نیست. (دعایی، ۱۳۸۰: ۲۵۲) و نظر به عصمت تامه آن حضرت با توجه به آیه تطهیر: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳) همانا خداوند اراده کرده که پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت دور گرداند و شما را کاملاً پاک و طاهر قرار دهد و احادیث شریفه نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از قبیل حدیث کسا که فرمود: «خداوند اینها اهل بیت من هستند،

گوششان گوشت من و خونشان خون من است، آنچه مرا آزار می دهد آنها را آزار می دهد، من می جنگم با کسی که با آنها بجنگد و از در صلح در می آیم با کسی که با آنها آشتی باشد، دوست کسی هستم که دوست آنهاست و دشمن کسی هستم که دشمن آنهاست؛ پس قرار بده درود و برکات و رحمت و بخشش را بر من و آنها و از آنان پلیدی را ببر و از هر نوع آلودگی پاکشان نما» (الموحد القزوی، ۱۴۰۲: ق: ۳۵) و حدیث ثقلین که فرمود: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ مَا إِن تَمَسَّكْتُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَى أَبَدًا» (حسینی طهرانی، ۱۴۰۵: ق: ۴/۱۱۹) یعنی: من در نزد شما دو چیز گران بها می گذارم، کتاب خدا و عزتم اهل بیت من، و این دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند و تا هنگامی که به آن دو تمسک می جوئید ابداً بعد از من گمراه نخواهید شد.»

پس آن کلام شریف یعنی صحیفه، کلامی است که یک سوی آن به دست خدای سبحان و سوی دیگرش به دست امام عارفان، حضرت سجاد علیه آلاف التحیه و الثناء است. بنابر این محتوای آن در پدید آمدنش از جهل و خطا معصوم و در بقا از گمراهی و بطلان مصون است.

یعنی اگر حضرت امام سجاد(ع) امام عینی معصوم است؛ که امام رضا(ع) فرمود: «امام از گناهان پاک و از عیوب پیراسته است. دارای علم ویژه و حلم مخصوص است و نظام و قوام دین و عزت مسلمانان و مایه خشم منافقان و نابودی کافران است» (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۹۸/۱).

گفتار آن حضرت نیز امام صامت معصوم می باشد. پس آن کتاب هم چون خالقش، چراغ هدایت است که جز حق نمی گوید و جز به راه حق هدایت نمی کند و در واقع تفسیری بر قرآن کریم است که آنرا در عین جاودانگی به شیوه دعایی و در پرده بیگانه ناآشنا بیان فرمود.

به تعبیر دیگر، از آن رو که امام(ع) قرآن ناطق است؛ یعنی قرآن تکوینی که در خارج تجسم یافته، پس به حکم انسان کامل و امام معصوم بودن، قرآن مجسم بوده و صراط مستقیم و ترازوی قسط و عدالت و جامع علوم و اسرار و واجد علم الهی و کون جامع و صاحب مقام محمود و مخصوص ولایت تکوینی و تشریحی و مصداق نور الهی نیز هست.

چنان چه حضرتش می فرماید: «نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵: ۲/۱۶۰۹) و فرمود: «فَنَحْنُ وَ اللَّهُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَ بَيْتُ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ» (کلینی، ۱۳۶۴: ۱/۳۲۰).

یعنی: به خدا قسم ما درخت رسالت و خانه رحمت و معدن علم و محل آمد و رفت فرشتگان هستیم.

در یکی از دعاهای مربوط به ماه شعبان، حضرت زین الدین و العابدین (ع) معروض می دارد: خداوندا، بر محمد و آلش درود فرست که درخت نبوتند و محل رسالت و جایگاه رفت و آمد فرشتگان و معدن علم و حکمت و خاندان وحی اند. خدایا، بر محمد و آلش درود فرست که آنان کشتی دریای معرفتند و در اعماق آن دریا روان، هر کس بر آن کشتی آید از غرق شدن ایمن است و هر کسی نیاید غرق در دریای هلاکت، هر کس بر آنها تقدّم جوید از دین خارج شود و هر کس از آنان عقب ماند، سعیش باطل و نابود گردد و هر کس همراه آنان باشد، به

آنان ملحق خواهد شد. خدایا، بر محمد و آلش درود فرست که حصار محکم امتند و فریادرس بیچارگان و درماندگان و پناه‌گرفتگان و نگهبان عصمت طلبان‌اند (قمی، ۱۳۶۶: ۲۸۲).

امام حسین (ع) فرمود: ما هستیم کسانی که علم کتاب را داریم و تفسیر صحیح آن و آنچه در نزد ماست در اختیار هیچ‌کدام از بندگان خدا نیست. زیرا ما شایسته اسرار الهی می‌باشیم (دشتی، ۱۳۸۱: ۶۹).
و فرمود: ما اهل بیت پیامبر و جایگاه اصلی رسالت و محل آمد و رفت فرشتگان و جایگاه رحمت پروردگاریم. خداوند به وسیله ما درهای رحمت را بر روی بندگان باز کرد و به وسیله ما آن‌را به پایان می‌برد (دشتی، ۱۳۸۱: ۲۲۱).

اکمال و اتمام دین طبق آیه شریفه قرآن که هم کمال دین را در طول بیان می‌دارد و هم اتمام آن‌را در عرض، مستند بر ولایت ائمه (ع) است که عدل قرآن و تالی تلو آن هستند. اگر قرآن الگوی نظری و صامت راه‌رهای و رسیدن به سعادت و قرب حق تعالی است و لازمه کمال بشری از تر و خشک در آن مسطور است و با طهارت ظاهر و باطن بر اهل تقوی مکشوف و معلوم، ائمه (ع) الگوی عملی و ناطق عروج و صعود تا اعلی‌علیین و ذروه کمال هستند (بسیج، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

وجود مبارک ائمه اطهار (ع) نعمتی است بی‌بدیل و شرفی است برای زمین و زمان که در دارالقرار، همه باید پاسخ‌گوی آن باشند. «ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (التكاثر: ۸) یعنی در آن روز از نعمت‌ها پرسیده شوید.
اکمال و اتمام دین به ولایت ائمه اطهار است. که خداوند کریم در قرآن مجید فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (المائدة: ۳) امروز دینم را بر شما کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برتر بر شما پسندیدم. امام حسین (ع) فرمود: ما موجودات نورانی بودیم که برگرد عرش الهی دور می‌زدیم و به فرشتگان تسبیح و حمد و سپاس خدا را یاد می‌دادیم. (دشتی، ۱۳۸۱: ۷۳)

خلقت جهان و ایزاق بندگان به واسطه آن ذوات نورانی و جلوات سبحانی است. مظهر اسم جامع و مرآت تجلی اسم اعظم الهی آنها هستند و امانت الهی در میان جهان، ولایت مطلقه آنهاست. آنها نور خداوند در زمین هستند و اطاعت از آنها نه بر انسان بلکه بر همه موجودات لازم و فرض است.
امام حسین (ع) فرمود: سوگند به خدا، خداوند پدیده‌ای را نیافرید، جز آن‌که آن‌را به اطاعت ما فرمان داد. (همان: ۶۹)

امام باقر (ع) در مورد معنی آیه «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النَّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (التغابن: ۸) یعنی به خداوند و پیامبر او و نوری که فرستادیم ایمان آورید، فرمود: به خدا سوگند که مقصود از نور، ائمه از آل محمد (ص) هستند تا روز قیامت، به خدا ایشانند همان نور خدا که نازل فرمود. به خدا که ایشانند نور خدا در آسمان‌ها و زمین (کلینی، ۱۳۶۴: ۲۷۶/۱).

امام باقر العلوم (ع) فرمود: اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است و تنها یک حرف آن نزد آصف بود، آصف آن یک حرف را گفت و زمین میان او و تخت بلقیس در هم نوردید تا او تخت را به دست گرفت. سپس زمین به حالت اول بازگشت و این عمل در کمتر از یک چشم بر هم زدن انجام شد و ما اهل بیت هفتاد و دو حرف از اسم اعظم را داریم و یک حرف هم نزد خداست که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته است. (کلینی، ۱۳۶۴: ۱/۳۳۴) و فرمود: «ما همه قرآن را می دانیم» (کلینی، ۱۳۶۴: ۱/۳۳۲)

از سوی دیگر امام ترازوی قسط و عدل است. امام صادق (ع) در جواب سؤالی که از او پرسیده شد، موازین قسط در آیه قرآن «و نضع الموازين القسط» یعنی چه؟ فرمود: «هُمُ الانبياءُ و الاوصياءُ» شرقی، ۱۳۷۱، اصول وافی: ۱/۳۶۵) یعنی: آنها پیامبران و امامان هستند و فرمود: «نحنُ الموازينُ القسطُ» (حسینی طهرانی، ۱۴۰۶: ۸/۱۲۹) امام صراط مستقیم است که عقاید و اخلاق و اعمال و افکار انسان‌ها با او سنجیده می‌شود. او نمونه کامل قرآن و معارف است. قرآن عینی است در برابر قرآن علمی. پس از این جهت هر چه نیز از انسان کامل و متن صراط مستقیم و قرآن عینی و حق مجسم صادر می‌شود، عین حق و صراط مستقیم خواهد بود. به همین دلیل آن چه از گفتار امام سجاد (ع) مروی است و در صحیفه او مکتوب گردیده، هم چون سخنان جدش علی بن ابی طالب (ع)، فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق است و هیچ گفتاری را نمی‌توان هم پای آن برشمرد؛ مگر آن که از جانب معصوم باشد.

یک وجه عصمت این است که گفتار نیز بیرون از ضلال و خطا باشد و وقتی گفتاری معصوم بود، پس جز حق را نشان نمی‌دهد و جز به حق رهنمون نمی‌شود و جز از حق نمی‌گوید. نیز چون امام (ع) مجرای فیض الهی است، پس گفتار او مصداق فیض و رحمت حق تعالی است و بدین لحاظ که معصوم است ظرف زمان و مکان قیدی برای آن ایجاد نمی‌کند. پس نیاز همه انسان‌ها، در همه مکان‌ها و زمان‌ها را برآورده می‌سازد. از این رو مجمع علوم فراوان است. هم‌چنین از آن جهت که امام (ع)، مجرای فیض خداوند سبحان و واسطه لطف و رحمت و هدایت اوست، پس صحیفه واجد وصف فیض و رحمت و لطف و هدایت خداوندی نیز می‌شود.

محقق علیم و حکیم خبیر «سید علیخان کبیر» از اعلام علمای شیعه در معرفی صحیفه می‌گوید: صحیفه سجاده در همان مجرای الهامات و وحی‌های آسمانی و در همان منهج و مسیر صحیفه‌هایی است که به صورت لوح از عرش حضرت باری نازل می‌شده است، به جهت آن که مطالبی که در آن مندرج می‌باشد، مشتمل است بر انوار حقایق معرفت و میوه‌های شیرین باغ‌ها و بستان‌های حکمت. علمای احیا و صرافان و ناقدان قدما از پیشینیان اهل صلاح، به آن لقب «زبور آل محمد» داده و «انجیل اهل بیت» می‌گفته‌اند... اما بلاغت بیان و برتری گفتار صحیفه به حدی است که سخنوران ساحر و فصیحان و ادیبان سحرانگیز در برابر آن به سجده در آیند و سران و سروران دانشمند از آوردن مثل آن به عجز و ناتوانی معترفند (دعائی، ۱۳۸۰: ۲۵۶).

امام (ع) دارای علم قرآن به تفصیل است و حقایق آن را به خوبی و در کمال صحت و درستی می‌داند و می‌شناسد و پاس می‌دارد و تبلیغ و ترویج می‌کند. از این روی کلام آن‌حضرت چیزی جز تفسیر و تفصیل و تأویل قرآن نیست که او نگهبان امین و صدیق قرآن است.

۲-۲-۲. صحیفه سجادیه جامع معارف و حقایق دینی است

مروری گذرا بر صحیفه سجادیه نشان می‌دهد که کلمات و واژه واژه آن از عقلی کامل و قلبی سالم و وجودی پر از احساس و عشق نسبت به خداوند سبحان، سرچشمه گرفته و پرتویی از مقام بندگی و عبودیت بنده‌ای خالص و راز و نیازی عارفانه و عاشقانه با بنده‌نوازی بی‌نیاز و بنده‌ساز است. محتوای آن نجوایی بی‌ریا و صادقانه و خالصانه از یک ولی خدا با خدای واحد و احد و ذوالجلالی صاحب مرحمت و پادشاهی قادر و لایزال است. این صحیفه که به حق می‌توان آن را صحیفه نور و معرفت و کتابی سراسر شور و شعور نامید، ترجمان کاملی است از همه بایسته‌های راه عبودیت و کمال و قرب و منزلت. آنچه یک بنده خداشناس و حقیقت جو و کمال طلب بدان نیازمند است، از بیان توحید و مراتب و مدارج و صفات ثبوتیه و سلویه حضرت حق گرفته، تانبوت و امامت و ولایت و معاد و قیامت و معرفی جهان پس از مرگ و عدل و قدرت خداوندی و فضل و کرم و لطف و عنایت و دیگر صفات جمالیه و جلالیه او و تا معرفی تفصیلی فضایل و رذایل نفسانی و ارایه راه کمال و مکتب کامل الهی و مسایل مربوط به انسان‌شناسی، فرشته‌شناسی، جهان‌شناسی، قرآن‌شناسی، اسلام‌شناسی، دشمن‌شناسی، شیطان‌شناسی، گناه‌شناسی و تبیین نظام های مبتنی بر حق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بیان ده‌ها موضوع عقیدتی و فکری دیگر، که احصاء همه آنها به درازا می‌کشد. نیز در این مجموعه مظلومیت شیعه به ویژه امامان آن و حقانیت آنها بیان گردیده است. بنابراین اگر چه صحیفه سجادیه سراسر دعا و نیایش و راز و نیاز است اما نمی‌توان شک کرد که آن حضرت در این قالب و با این روش، هدایت و رهبری فکری و عقیدتی اهل ولایت و پیروان راستین امامت را به دست گرفته و هنرمندانه و پیروزمندانه آن را به انجام رسانیده است. آن حضرت در پرتو این نیایش عارفانه و راز و نیاز عاشقانه با معبود، یک مکتب فکری کامل ارایه نموده که حاوی اعتقادات راستین و اخلاقیات سازنده و دستورالعمل های انسان ساز است. حکمت‌های عارفانه و رهنمودهای فیلسوفانه و معرفت‌های وحیانی و هر آنچه نیازمند یک فرد یا جامعه خدامدار برای رسیدن به سعادت و کمال در این سرا و آن جهان به آنها نیازمند است. تا در سیر الی‌الله فریب شیاطین جنّ و انس و هوا و هوس و غول های جرس جنبان حاشیه صراط مستقیم را که با هزاران جلوه و رنگ و عشوه و ناز، خود را نمایان می‌کنند و راهی طریق الی‌الله را به خود فراموشی و غفلت از خدا فرا می‌خوانند، نخورد. آن گونه که پیشوای عارفان و سر حلقه عاشقان مولی علی (ع) عرضه می‌دارد: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و أنر أبصارَ قلوبنا بضيائِ نظرها الیک» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۶۷۶) یعنی: خداوندا، مرا انقطاع کامل به سوی خودت عطا فرما و دیده‌های دل ما را به نوری که با آن نور ترا مشاهده کند، روشن ساز».

حضرت امام سجاد(ع) عرضه می‌دارد: «اللهمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۷۳۷) یعنی: «خداوندا از تو می‌خواهم که قلب مرا از محبت خود پر کنی». امام سجاد(ع) این همه را در محراب عشق و با حالت فقر، با حال مناجات و در زیر باران عطر بندگی و نیایش ارایه می‌نماید.

حضرت بیان‌کننده عرفان ناب شیعی است که مبارزه همیشگی با شیطان اصغر و اکبر یعنی جهاد با ظالمان و ستمگران بیرونی و هواها و وساوس نفسانی شرط لازم آن است. عرفانی که نه عزلت‌نشینی، به بهانه عبادت و ریاضت را می‌پذیرد و نه دست شستن از فرایض را، به دلیل مبارزه و جهاد. نه ستم کردن را می‌پسندد و نه ستم دیدن را. نه به بهانه رسیدن به وحدت، خلق را ندیدن و نه به بهانه خلق، خدا را ندیدن. که قبول وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت، راه مستقیم و صراط خداپذیر است. از این روست که برخی آن را «اخت القرآن» نیز نامیده‌اند، چرا که چشمه آسمانی بی‌پایانی است که آبخیز نیایش را در سرتاسر مکتب جاودان تشیع تا دامنه قیامت جاری کرده و جان‌های شیفته و کام‌های تشنه شیعیان و بلکه همه انسان‌های حق‌طلب و معنویت‌خواه را به زلال تمنا، مصفا گردانده و مشام جانشان را از عطر پاک پیامبران رحمت و نیکویی انباشته است.

امام زین‌العابدین(ع) به مقتضای زمان و با بهترین و زیباترین شیوه ممکن، نیازهای فطری انسان را بیان می‌کنند، خویشتن آدمی را به اشناساندن و راه ارتباط و اتصال به خالق بی‌نیاز را به او می‌آموزند و بدین ترتیب انسان را در پیوندی وثیق و متین با محبوب و خالق خویش به اوج رسانیده و از هر چه غیر اوست بی‌نیاز می‌سازند. هم، چگونه دعا کردن را می‌آموزند و هم در قالب دعا به تعلیم دین و اصول اعتقادات دینی، اخلاق و ارزش‌های انسانی، حقوق و دیگر مسایل مذهبی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازند. (مظاهری، ۱۳۸۲: ۱۲) مباحثی در حوزه‌های مختلف معرفتی و اخلاقی از قبیل باورهای اصولی و اعتقادات اصیل دینی و هم احکام و حقوق و فروع دین و هم سیمای انسان کامل و فضایل انسانی و هم مواضع سیاسی و اجتماعی، مانند لزوم پاسداری از دین و مقابله با باطل، میانه روی، عبادت، لباس اهل تقوا، حمایت از مظلومان و ستمدیدگان، مقابله با ستمگران و ظالمان، اهتمام به حفظ کیان سرزمین‌های اسلامی و ترغیب به جهاد و شرایط هدایت و ارشاد، مسئولیت چشم و گوش، توجه به ابعاد ارشاد، پیرامون دعا، هدایت مردم از راه عمل، ارزش صبر در اسلام، استمداد از خدا، هدایت سعادت آفرین، اصلاح نفس، صراط دنیا و آخرت، درخواست کفایت از عیب جوئی مردم، درخواست حسن ارشاد مردم، تمنای امنیت روز معاد، عوامل استخلاص نفس، عوامل اخلاص نفس، عوامل تسلط شیطان بر نفس، درخواست هدایت صادقانه، برکناری از اسراف و مصونیت از تباه شدن رزق، درخواست سلامت برای عبادت و فراغت برای زهد، پایان عمر با عفو الهی و نیل به رضای حق، به یاد خدا بودن در تمام مواقع، درخواست حسنه دنیا و آخرت و مصونیت از عذاب. شکر نعمت و عقوبت کفران آن، ضرورت چشم پوشی از عیوب مردم و نشر خوبی‌های دیگران، نرم خوئی و ملایمت و اخلاص در عمل و حسن خلق و اعتراف به احسان خداوند و شمارش عطایای بزرگ پروردگار. درخواست دفع ستم دیگران و ستم نکردن به دیگران، بیان فلسفه سختی‌ها و منافع آن، بیان ارزش قرآن و توکل بر خداوند و پرهیز و گریز از عوامل غفلت و بطالت و جهالت و

ده‌ها مورد دیگر از این دست؛ مطالب و مباحثی است که آن امام همام در قالب ادعیه عارفانه و مناجات خالصانه به گونه‌ای ظریف و عمیق به آنها پرداخته است تا در شب هراسناک استبداد اموی و روزگار ضد عقلانیت و دوران سیاه جهالت امویان که شیر در زنجیر و خورشید بر دار و کعبه در آتش و پیکر اسلام ناب محمدی (ص) و مؤمنان راستین آن و رهروان راه ولایت و امامت پر از زخم جفا و عصبیت و دنیامداری و شرک بیگانگان از حقیقت دین و ایمان بود، مرهم گذار آن دردها و زخم‌ها باشد و دستگیر و هادی خستگان و واماندگان و بی پناهان.

۳. بینش، گرایش، کنش

بینش مربوط به جنبه نظری و نوع نگاه انسان به هستی است. که بی‌شک مبنای همه خواسته‌ها و رفتارهای آدمی است. درست یا غلط بودن آنها منجر به درست یا غلط بودن رفتار آدمی می‌شوند و در نهایت منجر به سعادت یا شقاوت خواهند شد.

گرایش، مربوط به جنبه میلی، امیال و خواسته‌هایی هستند که از معرفت و بینش درست یا غلط آدمی برگرفته می‌شوند و ایجاد محبت و بغض در آدمی کرده، میل او را به جانب تقوا یا فجور رهنمون می‌شوند. کنش، مربوط به جنبه رفتاری، رفتارهای آدمی است برخاسته از امیال که علت قریب هستند و عقاید که علت اصلی و بعید هستند.

۴. بررسی اصول سبک زندگی در صحیفه سجاده

به تعبیری می‌توان گفت سبک زندگی اسلامی یعنی کار بست هر نعمتی از حق تعالی در جای خودش. همانگونه که امام سجاده (ع) به عنوان نمونه در وظیفه اعضای بدن فرمود: در آن لحظه که چشم دل ما به غیر تو خواهد بنگرد و از جهت محبت تو انحراف گیرد، کورش کن تا جز تو کس را نبیند و جز جمال و جلال تو به چشم اندازی دیگر تماشا نیفکند. ما آن دست و پا را نخواهیم که به معصیت تو بجنبد و آن جان و دل را نپسندیم که جز به عشق جانان زنده باشند... سعادت فرما تا دل‌های ما جز به یاد تو و به عشق تو ضربانی نیآورد و جز با تو نجوایی نگوید. تا دست و پای ما جز در راه خرسندی و خشنودی تو جنبش نکند. تا چشمان ما جز در جستجوی رضای تو روشن نباشد و جز لقای تو و رضای تو دیگری را نبیند (صحیفه، دعای ۹).

اصول سبک زندگی معقول و حیات طیبه را در سه زیر عنوان می‌توان تبیین کرد. اول اصول مرتبط با آنچه با نگرش افراد نسبت به زندگی؛ دوم اصول مرتبط با امیال و انگیزه‌ها و نیت افراد؛ سوم اصول مرتبط با کنش و رفتار آدمیان.

۴-۱. مباحث بینشی

سبک زندگی ریشه در اندیشه نسبت به زندگی و معنایی از زندگی دارد که هر فردی به آن خو گرفته است. از این جهت اولین قدم برای اصلاح یا تأسیس سبک زندگی معقول اصلاح بینش و نگرش افراد است. بحران‌های امروز بشر بی‌شک مرتبط با سبک زندگی برخاسته از نگاه مادی‌گرایانه و انسان‌محور است که تحریف و اعوجاج در فطرت و عقل سالم است و بریدگی از عبودیت حق تعالی است.

سبک زندگی زمانی در خدمت انسان قرار می‌گیرد که مبتنی بر فطرت و حقایق الهی و ذکر حق تعالی باشد. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰) پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. وجه در این آیه شامل همه ساحات مرتبط با انسان و در یک کلام سبک زندگی می‌شود. در غیر این صورت زندگی با تنگی و زشتی فراوان مواجه است. همانگونه که خداوند سبحان فرمود: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴) و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم.

بر این اساس در صحیفه سجادیه با مطالبی روبرو هستیم که سعی دارد در قالبی شور برانگیز، شعوری حقیقی نسبت به حقایق هستی در خواننده ایجاد کند. حضرت در فرازهای مختلفی از ابواب و نیایش‌های خود در صحیفه به تبیین مسایل مربوط به خداشناسی پرداخته و پیرامون توحید حق تعالی به زیبایی و شیوایی کامل سخن رانده است. همه مراتب توحید اعم از توحید نظری، شامل توحید ذات و صفات و افعال و توحید عملی، شامل توحید در عبادت و پرستش و استعانت و ستایش را بیان نموده و اسماء و صفات حق تعالی را معرفی کرده است. مانند آنچه در دعا برای طلب عفو و بخشش از گناهان و عیوب می‌خوانیم:

این تویی که بخشایش تو از کیفر تو بزرگ‌تر باشد و بیش از آن‌چه عقاب کنی ثواب روا بداری. این تویی که همواره مهر تو از قهر تو پیشی گیرد و رحمت تو بر غضب غلبه کند. این تویی که بیشتر عطا کنی و کمتر منع فرمایی و تویی که جهان و جهانیان همه را در سایه رحمت و مرحمت خود جای دهی. این تویی که در برابر عطیات خویش پاداش نخواهی و تویی که گنهکار را بیش از آن‌چه گناه کرده کیفر ندهی. (صحیفه، دعای ۱۶) ای تو که از هر نزدیکی به ما نزدیک‌تری و از هر شنونده‌ای نجوای ما را روشن‌تر می‌شنوی. (صحیفه، دعای ۲۵)

ای گشاینده عقده‌ها و ای در هم شکننده انبوه اندوه. ای که ابرهای کدورت و غم را از افق فکرها بر کنار می‌کنی. ای بخشاینده این جهان و آن جهان. ای بخشنده دنیا و آخرت. ای یکتا، ای یگانه، ای کمال مطلوب و منتهای آرزوها و امیدها. ای آن کس که کسی ترا نزاییده و کسی را نزاییده‌ای. ای پروردگار بی‌همتا که به ذات اقدس و اعلائی خود قیام داری و هیچ کس همسر و همدم تو نیست. (صحیفه، دعای ۵۴)

امام در دعا‌های دیگر به مباحث مرتبط با آفرینش انسان (دعای ۱) رب شناسی (دعای ۷) پیامبرشناسی (دعای ۲ و ۶) امامشناسی (دعای ۱۴، ۲۴، ۴۴، ۴۷، ۴۸) معاد شناسی (دعای ۱، ۱۱، ۲۰، ۴۸) فرشته‌شناسی (دعای ۳) اسلام شناسی (دعای ۲) انسان‌شناسی (دعای ۱، ۹، ۲۵، ۳۲) قرآن‌شناسی (دعای ۴۲) جهان‌شناسی (دعای ۳۶، ۴۷) نفس شناسی (دعای ۹) فرشته‌شناسی از این باب که مؤثر در زندگی انسان هستند (دعای ۳)، عبرت‌گیری از مخلوقات و آیات تکوینی (دعای ۳۶) گناه‌شناسی (دعای ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴ و...) شیطان‌شناسی (دعای ۱۷، ۲۵) دشمن‌شناسی (دعای ۱۴، ۲۳، ۴۹) منافق‌شناسی (دعای ۴۹) مرگ‌شناسی (دعای ۴۰) فلسفه بیماری و رنج (دعای ۱۵)، شفاعت (دعای ۳۱، ۴۸)، عدل الهی (دعای ۴۸، ۴۹)، در بیان نعمت‌های الهی (دعای ۱)، توجه به آخرت و حساب و کتاب پس از مرگ (دعای ۱۱)، عوامل محرومیت از ملکوت (دعای ۱۲)، صراط مستقیم (دعای ۲۰) نسبت دین و دنیا (دعای ۹) معرفی دین‌داران واقعی (دعای ۴) و مواردی دیگر که مرتبط با تصحیح یا تقویت اندیشه صائب است می‌پردازد.

۲-۴. مباحث گرایش

گرایش‌های انسان از یک سو برگرفته از بینش‌ها هستند و از دیگر سو انگیزه رفتار و کنش‌ها. از این رو خداوند سبحان فرمود: «قُلْ كُلُّ يَعْملُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (اسراء: ۸۴) بگو هر کس بر حسب ساختار خود عمل می‌کند و پروردگار شما به هر که راه‌یافته‌تر باشد دانای‌تر است.

شاکله به زبان روان‌شناسی همان شخصیت افراد است. به همین جهت برخی گفته‌اند: عادات و سننی که انسان بر اثر تکرار یک عمل اختیاری کسب کرده است و همچنین اعتقاداتی که با استدلال و یا از روی تعصب پذیرفته است، همه اینها نقش تعیین‌کننده دارند و شاکله محسوب می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۲ / ۲۴۹)

از جمله اصول مرتبط با سبک زندگی سالم و الهی که امام سجاده (ع) به آن پرداخته است، امور زیر را می‌توان برشمرد:

۴-۲-۱. تویی و تبری

مانند آنچه در دعای ۲۵ بیان می‌کند: پروردگارا، فرزندان مرا به زیور تقوا و بصیرت بیارای تا نیکو بینند و نیکو بشنوند و در برابر فرمان تو مطیع و محکوم باشند. دوستان ترا دوست بدانند و بندگان ترا به راه راست هدایت کنند و همچنان دشمنان ترا دشمن شمارند و از خویشان برانند.

۴-۲-۲. راضی بودن به رضای حق

مانند فرازی از دعای ۱۴: پروردگارا، به من توفیق و سعادت عطا فرما تا به آنچه در حق من روا می‌داری رضا دهم و به تقدیر تو تسلیم باشم. چه به من ببخشی و چه از من باز داری. نیز فرازی از دعای ۱۸.

چنین مسألت دارم که آنچه رضای تو اقتضا کند بر من روا داری و مرا به هر بلا که پسندی مبتلا سازی. و بخشی از دعای ۲۲: چنان خواهم که به حال خورسندی و خشم در پیشگاه تو یکسان باشم و رضای ترا بر خورسندی و خشم خویش برگزینم.

۴-۲-۳. اخلاص در عبادت

مانند آنچه در دعای ۲۲ آمده است: ای پروردگار متعال، چنان کن که ترا با اخلاص و خضوع بندگان مخلص تو بخوانم و دست حاجت به درگاه تو بر آورم. و فرازی از دعای ۵۴: چنان کن که در مقام عبودیت خویش از الوهیت تو بیمناک باشم. آن چنان که دوستان مخلص تو در عبودیت خود بیمناکند. سعادتت نصیب فرمای که رضای ذات مقدس تو را بر هر چه مطلوب و محبوب است برگزینم و فرمان تو را بی اعتنا به قهر و مهر مردم به کار برم و از کاینات نترسم.

۴-۲-۴. محبت نسبت به خداوند و مخلوقات خداوند

مانند آنچه در دعای ۴۵ آمده است: و ما را نزد خود از توبه کنندگانی که محبتت را بر آنان ضروری و مقرر کردی و بازگشت به طاعتت را از ایشان پذیرفتی، قرار ده؛ ای عادلترین عادلان. و در دعای ۲۰: خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا در اوقات فراموشی (پیروی از نفس) به یاد خود آگاه سا و در روزگار مهلت (زندگانی دنیا) به طاعت و بندگیت بگمار و راهی هموار به سوی محبت و دوستیت برای من آشکار نما، و به وسیله آن محبت نیکی دنیا و آخرت را برایم کامل گردان. و در دعای ۲۱: قلبم را برای محبت خود تهی گردان و به یادکرد خود وادار.

۴-۳. مباحث کنشی و رفتاری

کنش و رفتار آدمی دارای علت قریب امیال و انگیزه‌ها و علت باواسطه و بعید نگرش‌ها و بینش‌ها است. از این رو رفتار هر کسی بیانگر شخصیت و شاکله او خواهد بود. از سوی دیگر رفتار هر شخصی نمایانگر سبک زندگی او است و بدین جهت رفتار آدمیان زمینه ساز و بستر حوادث و مصایب مطلوب و نامطلوب است. به تعبیر زیبای قرآن کریم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم: ۳۰)

به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند باشد که بازگردند.

همانگونه که: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰)

و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد.

امام علی (ع) در ذیل آیه فرمود: از آن چیزهایی که برای مسلمان در دین و دنیایش به صلاح اوست (او را اصلاح می‌کند) پرهیز از گناهان است. هر بلا و کم‌شدن روزی، حتی خراش و زمین خوردن و مصیبت، به خاطر انجام گناه است. خداوند تعالی فرمود: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید! (نحل: ۹۱). هیچ نعمت و رونق زندگی از بین نرفت مگر به خاطر گناهی که مرتکب شدید. خداوند هرگز به بندگانش ستم نمی‌کند. (آل عمران: ۱۸۲). اگر آن‌ها با دعا و توبه به استقبال آن‌ها (بلاها و مصیبت‌ها) می‌رفتند، [بلا و مصیبت] بر آن‌ها نازل نمی‌شد و اگر آن‌ها هنگامی که بلاها بر آن‌ها نازل شد و نعمت‌ها از دستشان رفت، با تبت راست و درست به جانب خدا زاری و بی‌تابی

می‌کردند و سستی و اسراف نمی‌کردند، [خدا] هر بدی و فساد را برای آن‌ها اصلاح می‌کرد و هر خوبی و مصلحتی را به آن‌ها برمی‌گرداند. (برازش، ۱۳۹۴: ۶۳۶/۱۳)

علاوه بر آن سبک زندگی و رفتار انسان سازنده قیامت است و به تعبیر دیگر هر انسانی با رفتار و کردار خود بهشت و جهنم خویش را می‌سازد: «يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَوَفَىٰ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ * وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَوَفَىٰ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا» (هود: ۱۰۸-۱۰۵) روزی فرا رسد که هیچ کس جز به اذن وی سخن نگوید آنگاه بعضی از آنان تیره‌بختند و برخی نیکبخت. و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند در آتش فریاد و ناله‌ای دارند تا آسمانها و زمین برجاست در آن ماندگار خواهند بود مگر آنچه پروردگارت بخواهد زیرا پروردگار تو همان کند که خواهد و اما کسانی که نیکبخت شده‌اند تا آسمانها و زمین برجاست در بهشت جاودانند.

از این رو کسانی که سبک زندگی غیر الهی دارند خالق جهنم خویش‌اند: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (یونس: ۸-۷) کسانی که امید به دیدار ما ندارند و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند و کسانی که از آیات ما غافلند. آنان با آنچه به دست می‌آوردند جایگاهشان آتش است.

و کسانی که سبک زندگی الهی را برگزیده‌اند خالق بهشت خویش هستند: «أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده: ۱۹) اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به واسطه آنچه انجام می‌دادند جایگاهشان باغ‌های بهشتی است.

«لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَيْلَهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۲۷)

برای آنان نزد پروردگارشان سرای عافیت است و به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند او یارشان خواهد بود.

۴-۳-۱. عبادات

امام سجاده (ع) در گفتار ثمین خود و در متن نیایش و ده اصول رفتاری سبک زندگی اسلامی را برای رسیدن به سعادت اخروی و زندگی معقول دنیایی تبیین نموده است. اصل اساسی همه رفتارها عبودیت و بندگی خداوند سبحان و فرمانبری از خالق بی‌همتایی است که ذکر و توجه به او راز رهایی و سعادت و اعراض از او موجب خسارت و هلاکت است. از این رو سرتاسر صحیفه سخن از عبادات و ضرورت و فلسفه وجودی آن و لزوم اخلاص در انجام آنهاست. مثلاً حضرت در دعای ۴۴ اقامه نماز و روزه را مورد نظر دارد و در دعای ۱۴ ضرورت رسیدن به مقام صبر و قناعت را، همچنین به واجبات و مصادیق دیگری از عبادات پرداخته است مانند توجه به حج زیارت (دعای ۲۳)، جهاد (دعای ۶)، انفاق (دعای ۳۰)، احسان به والدین (دعای ۲۴)، تبلیغ دین (دعای ۶)، صلۀ رحم (دعای ۴۴)، ضرورت رعایت حق همسایه (دعای ۳۶)، توکل (دعای ۲۹)، دعا برای فرزند (دعای ۲۵)، درخواست رحمت رحیمیه با ذکر صلوات که در همه ادعیه وجود دارد. از این جهت که برخی گفته‌اند: «معنای صلوات درخواست بالاترین مرحله‌ی رحمت رحیمیه برای محمد و آل محمد- صلوات الله علیهم اجمعین- است، که مقام سلام و امنیت مطلق است و اگر ما آن را برای آنان تقاضا می‌کنیم، از آنجا که

آنان دارای چنین مقامی و استوار در آن هستند، در واقع آن را برای خود تقاضا می‌کنیم.» (سعادت پرور، ۱۳۸۶: ۱۵۶/۱)

۲-۳-۴. آراستگی به فضایل اخلاقی

مانند شکر نعمت‌های الهی، شناخت حد و حدود خویش، شناخت نعمت‌های خداوند، ظلم ستیزی، تشکیل خانواده و فرزندآوری و تربیت فرزند، محبت و مهرورزی، قدرشناسی از پدر و مادر، حمد و ستایش پرورگار، انس و ارتباط مستمر با خداوند، به کار بردن هر نعمتی از جمله اعضای بدن در راستای اهداف خلقت، مقام رضا، آراستگی به زیور تقوا، فروتنی، احسان و نیکوکاری، ذکر مدام، زهد، علم جویی، توبه، مرزبانی، جهاد و شهادت، دعا و نیایش (دعای ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۳۱، ۳۵، ۳۸، ۴۴، ۴۸).

۳-۳-۴. دوری از رذایل اخلاقی

حضرت به بسیاری از رذایل به عنوان امهات ملکوت سیئه اشاره کرده و ضرورت دوری از آنها را گوشزد نموده است. مانند حسد، حرص، خشم، کم طاقتی، طمع، بدخویی، دشنام دادن، عیب جویی، غیبت، تهمت، گواهی ناحق، تعصب جاهلی، شهوت‌رانی، مکر و فریب، یأس و ناامیدی، بدخواهی برای دیگران، پیروی از هوا و هوس، جهل و گمراهی، غفلت، استکبار، خودبینی، خودخواهی، غرور و عجب، سرگرم شدن به دنیا، سرگرم شدن به لهو و لعب، ظلم به زیردستان، کفران نعمت، عدم کمک و رسیدگی به حال مظلومان، کمک به ظالمین، قناعت به حلال در هر چیزی، پرهیز از گفتار بدون علم و بر اساس هوا و وهم و گمان، پرهیز از گمراه کردن دیگران یعنی ارتکاب ظلم فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و علمی، خودشیفتگی، تمجید از خود، به دنبال آرزوهای دراز بودن، ساده انگاری و کوچک شماری گناهان، اصرار بر گناه، تسویف، ظلم پذیری، اسراف، تذبذب و تکاثر، اسارت نفس، (دعای ۸، ۹، ۱۲، ۲۰، ۲۲، ۳۰) دوری از شرک، کفر، نفاق، شک و دودلی (دعای ۴۴).

۵. نتیجه گیری

سبک زندگی که همان معیشت و نحوه رفتار آدمی در ساحت‌های گوناگون زندگی است مأخوذ از اندیشه و نوع نگرش محققانه یا مقلدانه افراد نسبت به عالم و آدم است. میان اندیشه و عمل البته انگیزه و شوق نیز حایل است. از این رو دو نوع سبک زندگی شکل می‌گیرد الهی و نفسانی یا به تعبیری دیگر رحمانی و شیطانی. به منظور طراحی یک سبک زندگی سالم الهی هم بایستی اندیشه را تنظیم و مهندسی کرد و هم گرایش‌ها و شوق‌ها را در مسیر درست قرار داد و هم معاریف و منهیات را معرفی نمود تا پای سالکان کمال و شیفتگان وصال الهی و شایقان سعادت اخروی در آن مسیر به حرکت در آید. ضمن اینکه این همه در قالب کلام شورانگیز اثری بیشتر دارد.

امام سجاد (علیه السلام) این هر سه موضوع را در قالبی شورانگیز به شیوایی بیان نموده و در فرازهای گوناگونی از ادعیه صحیفه سجادیه به معرفی اصولی معرفتی و رفتاری و ارزش‌های مورد نیاز جامعه پرداخته است که استناد و

استان به آنها مسیر فرد و جامعه را در سمت و سوی کمال و تعالی فردی و اجتماعی و رسیدن به تمدن دنیایی و تمکن اخروی رهنمون می‌گردد. در این مقاله تلاش شد در سه حوزه بینش، گرایش و کنش مواردی به عنوان اصول و روش‌های سبک زندگی الهی از جملات صحیفه سجادیه استخراج شود.

در مباحث بینشی، مباحث مرتبط با آفرینش انسان، رب شناسی، یامبرشناسی، امام‌شناسی، معاد شناسی، فرشته‌شناسی، اسلام شناسی، شیطان شناسی و ... بیان شد.

در مباحث گرایشی، تولی و تبری، راضی بودن به رضای حق، اخلاص در عبادت، محبت نسبت به خداوند و مخلوقات خداوند بحث شد و در مباحث کنشی و رفتاری، عبادات، آراستگی به فضایل اخلاقی، دوری از رذایل اخلاقی مورد بحث قرار گرفتند. هرچند توضیح و تبیین آنها نیازمند تحقیقات جامع و تألیفات بسیاری است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. صحیفه کامله سجادیه
۳. نهج البلاغه
۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۳)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، (اول) قم، انتشارت سیدالشهداء
۵. ابن شهر آشوب، ابو عبدالله محمد بن علی، (۱۴۳۳ ق)، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و أسماء المصنّفین قديما و حديثا، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، کربلا، دار المحجّة البيضاء و دار علوم القرآن.
۶. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۷۸)، غررالحکم و دررالکلم آمدی به صورت موضوعی، سید هاشم رسولی محلاتی، (دوم)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. ایزدی، مهدی، (۱۳۹۷)، سبک زندگی در آموزه های امام سجاد (ع) بر اساس روش های کاربردی انحراف زدا و فضیلت افزا، دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق / نامه صادق)، ۲۵ (۱۳۹۷)، ۱-۳۱، doi: 10.30497/rc.2019.2355.
۸. برازش، علیرضا، (۱۳۹۳)، تفسیر اهل البيت عليهم السلام، (اول)، تهران، امیرکبیر.
۹. بسیج، احمدرضا، (۱۳۸۳)، آثار معرفتی نماز، (اول)، شهرکرد، سامان دانش.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۲)، قرآن حکیم از منظر امام رضا (ع)، (اول)، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۱. حسینی تهرانی، علامه سید محمد حسین، (۱۴۰۶ق)، معادشناسی، جلد هشتم، (اول)، تهران، انتشارات حکمت.
۱۲. حسینی تهرانی، علامه سید محمد حسین، (۱۴۰۵ق)، امام شناسی، جلد چهارم، (اول)، تهران، انتشارات حکمت.

۱۳. دشتی، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، (سوم)، قم، مؤسسه انتشارات مشهور.
۱۴. دعایی، سید محمد محسن، (۱۳۸۰)، اسوه کامل، (اول)، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۵. سعادت پرور، علی، (۱۳۸۶)، نور هدایت، (اول)، تهران، احیاء کتاب.
۱۶. شرقی، محمد علی، (۱۳۷۱)، اصول وافی، جلد اول، (اول)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. عبودیت، فریده و مهدوی‌راد، محمد علی، (۱۴۰۰)، مبانی و روش‌های سبک زندگی در حوزه تعاملات اقتصادی با محوریت صحیفه سجادیه، "قرآن و علوم اجتماعی"، ۲۱ (۱۴۰۰)، ۹-۲۹، doi، 1022064/arq.2022.283317.1008.
۱۸. قمی، شیخ عباس، (۱۳۶۶)، کلیات مفاتیح الجنان، (پنجم)، سازمان انتشارات حاج محمد علی علمی.
۱۹. کلینی، ثقة الاسلام، (۱۳۶۴)، اصول کافی، با ترجمه و شرح سید جمال مصطفوی، بنیاد رسالت.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۸)، میزان الحکمه، چهار جلدی، (اول)، قم، دار الحدیث.
۲۱. مظاهری، محمدحسین، (۱۳۸۲)، لغت نامه صحیفه سجادیه، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، (اول)، اصفهان، نشر گلشن دانش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۲)، تفسیر نمونه، (بیست و دوم) تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۸)، کلیات مفاتیح نوین، (نوزدهم) قم، امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) (ع).
۲۴. الموحد القزوینی، محمد ابراهیم، (۱۴۰۲ق)، اهل البيت عليهم السلام فی سفینه نوح، (چهارم)، بیروت، مؤسسه الوفاء.

